

تَرْبِیَّةٌ تَعْلِیْمِیَّةٌ

— مدارس ابتدائی سوئد —

بهترین و ظریفترین ابنیه سوئد مکاتب و مدارس این مملکت است. طرز معماری این بناها، اصول تعلیم و تدریس این کارخانه‌های فیض و عرفان، واقعاً بی نظیر است. «لینته» ها، «بلومان» ها، «نوبل» ها، «فردریک برومه» ها، از همین مدارس بیرون آمده و در دست همین آموزگاران تربیت شده‌اند. محصلین روسی و آلمانی و هلندی و اطریشی و جوانان سایر ملل در مؤسسات علمیه سوئد با استفاده مشغولند.

بظوریکه در ممالک اروپا مرسوم است در اینجا در های موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مدرسه‌ها، بروی همه طوایف باز است، هر کس می تواند در ساعات معین این بابائی عالیله را گردش کند، من نمی خواستم بیک معاینه سطحی اکتفا نمایم، لهذا بوزارت معارف مراجعه نموده سفارشنامه خطاب بر رؤسای مکاتب گرفتم. میتوانم بگویم باین واسطه در ظرف ششماه توانستم تمام مدارس را تماشا کنم. در همه مسائل از روسا استیضاح نمودم. شهودات خودم را بقدر امکان بیان خواهم کرد.

باید دانست که در کوچه ها و خیابان ها و معابر این مملکت اطفال ولگرد آواره یافت نمیشود، در «مارسی»، «ناپولی»، «پاریس»،

بچه های سر و پا برهنه با صورتهای چرکین و لباسهای مندرس و حالات سفالت آمیز بسیارند. يك قسمت از اینها در قهوه خانه ها و کازینو ها به کلاشی و بیعاری اشتغال دارند، قسمت دیگر در عیالات خلوت بگدائی می بردازند، در «استوکولم» يك نفر از این اطفال مصادف نمی شوید. همانطور که در زمان پیشین اسپارتهای بچه های نوزاد ناقص الحلقه را تلف میکردند، در این جا نیز اولاد پدر و مادری را، که بتربیت فرزند خویش اهتمام ندارند، حکومت مصادره میکند! این قانون از سال ۱۹۰۰ مجری است. بهین سبب در مدت چهار و پنج سال اطفال کوچک جمع آوری شدند.

در ۱۹۰۶ در میان ۳۵۶۷۲ شاگرد مدرسه ۵۸۰ نفر از این قبیل بچه ها بوده اند که آنها را حکومت عنفاً از مردم گرفته بمدرسه فرستاده است. هر کس باید بچته خود را از هفت تا چهارده سالگی یکی از مکاتب ابتدائی بفرستد و به تحصیل وادارد. هر سال اسامی اطفالی که بمرحله هفتم عمر رسیده اند از طرف اداره تعداد نفوس نزد مفتش کل مکاتب عمومی ارسال میشود. اسکر خانواده بچه خود را بمکتب فرستاده است فوراً اخطار قانونی بعمل می آید، در صورتی که تقصیر را جبران نکنند پولیس طفل را از پدر و مادر میگیرد و در تحت وصایت حکومت بخانواده دیگر می سپارد. اطفال فقیر بی پرستار بمکتب شبانه ایتم میروند. در مدت تحصیل شش ساله هیچ علت و بهانه نمی تواند متعلمین را از رفتن بمدرسه مانع شود.

از مدارس ابتدائی ، مدرسه « کونگس هولم Kungsholms » که در ۱۹۰۰ بنا شده و ۴۲۰۰ دختر و پسر در آن درس میخوانند ، مدرسه « انگلبرکت Engelbrekt » که در ۱۹۰۱ ساخته شده و برای تعلیم ۲۴۰۰ شاگرد اختصاص دارد ، مدرسه « اوسترمالم Ostermalm » که دو سال قبل تمام کرده اند و اکنون ۳۵۰۰ طفل در آن تربیت می شوند ، بی اندازه نظر حیرت و تعجب مرا جلب نمودند . دروس این مکاتب با هم اختلافی ندارند . دهات کوچک سوئد نیز از مدرسه های ابتدائی محروم نیستند ، در قسمت شمالی و نواحی « لاپلاند » که آبادیها از هم دورند حکومت برای این جاها مکاتب ابتدائی بسیار تاسیس کرده است . هیئتهای تدریسیه در هر نقطه چهار ماه توقف نموده اطفال چند قریه را درس میدهند .

هر سال در بودجه معارف سوئد ۱۶۰۱۰۰۰ کورون برای مکاتب عمومی و تکمیل نواقص آن منظور میشود . همه اینها مدارس روزانه اند . مکتب شبانه در سوئد ، نروژ ، دانمارک و فنلاند کم است . جز يك مکتب حربی و دو مدرسه « کوران » و « لالان » باقی مکاتب روزها به تعلیم میپردازند . پرگرام این مدارس درسه سال اول - از هفت تا ده سالگی - برای تقویت بدن ، توسعه ذهن و انکشاف هوش اطفال بسیار مفید است . آموختن نجاری و آهنگری ، خراطی و منبت کاری و ژیمناستیک به پسران ، یاد دادن نقاشی ، موسیقی ، خیاطی ، طبخ ، خانه داری و ورزش بدختران از جمله مقررات ناپته است .

در این مکاتب ، معلمین سال اول و دوم تماماً زنند . در سایر طبقات مرد وزن هر يك قسمتی مخصوص را تعهد می نمایند . دختر و پسر با يك طرز و با يك اسلوب درس میگیرند . دروس جغرافی و طبیعیات غالباً در طالار های تاریك توسط سپنماتدریس میشوند ، مثلاً نقشه انگلیس را در مقیاس بزرگ بدیوار انداخته بعد شهر های مشهور ، صادرات ، واردات ، مصنوعات محلی و مواقع مهمه آن را معرفی میکنند .

ماد موازل « باکستروم » ، مدیره مدرسه « اوسترمالم » ، مرا یکی از این طالار ها برد . ترتیب ساختن نان از کاشتن گندم تا آرد کردن و پختن آن بواسطه سپنما بشاگردان نشان داده میشد . بعد چگونگی درست کردن يك پیمانوا از بریدن اشجار در جنگلها ، تصرفات کارخانه های مختلف ، عملیات گوناگون این صنعت ، بمعرض ملاحظه حاضرین در آمد . از امتزاج ذوق و استفاده چهره ها همه بشاش بودند . چرا خوشوقت تر نباشند ؟ من هم مسرور و ممنون بودم . همه مدارس حمامهای مخصوص دارند . دوشهای متعدد ، حوضهای وسیع مستطیل برای شاگردان ، خلوتهای گرم بزرگ ، تمام شرایط نظافت در این حمامهاست . هر روز دوست بچه در این حمامها آب تنی و شست و شومی کنند . ماد موازل « باکستروم » چهل سال دارد ، در انگلیس و آلمان سیاحت کرده است ، فرانسه را بسیار خوب حرف میزند . مطالب ذیل را از مشارالیها پرسیدم :

دخترها و پسر ها با هم درس میخوانند ؟
 بکدام درس پیش از همه اهمیت میدهد ؟

کدام درسها را زنها تدریس میکنند ؟

مادموازل گفت : « تا چهل سال پیش در مملکت مادخترها از تحصیل عالی محروم بودند . از لطف اهتمام « نه ان کدی » و اقران او زنان اسکانندیناویا حقوق خود را استرداد کردند . امروز از مکاتب ابتدائیه تا آخرین کلاس دار الفنون ، دختر و پسر مثل دو رفیق جدی و دوست صمیمی نزد یکدیگر نشسته از یک معلم درس بگیرند . در اول کار تصور میشد از این امتزاج شاید معایبی بوجود آید ، در مدارس مختلفه خواهر و برادر یا اطفالی را که با هم قرابت داشتند میذیرفتند . آنقدر نگذشت که متانت اخلاقی دخترها سوء ظن را بالمره از میان برداشت و این قید احتیاطی مرتفع گردید . بی شبهه بسرانی که باین وتیره بادختران مجالس و معاشرند بیشتر خاطر نواز و مؤدب میشوند . راست است اساس بعضی زنا شوئیا در مدارس فراهم میآید و در حالات روحیه جوانان نسبت بهم انس و الفتی ظاهر میگردد ، اما این انتلاف روح و ذوق در وطن ما خانواده های سعادت مند تشکیل میدهد . دو دوست که از هفت سالگی تمایلات و عادات یکدیگر را دانسته و شناخته اند از دواج آنها با مزاجتهای اتفاقی تفاوت دارد .

«میدرسید مهمترین درسها کدام است ؟ در میان اینهمه علوم و فنون اجتماعی قبل از همه چیز کاردستی (Travail manuel) را باطفال یاد میدهیم . اول کسی که اصول تعلیمات «بستالوزی Pestalozzi» را در مملکت ما ترویج و تطبیق نمود «اونوسی نیوس» ، پداگوگ معروف ، بود . مثلاً در فن نجاری ، که یک

شعبه کاردستی است . طفل از ساختن يك جعبه فکر آ و بدنا استفاده
 میکنند . يك قطعه چوب را بریدن ، اندازه گرفتن ، رنده کردن ،
 زبانه در آوردن ، بهم انداختن ، فواید بسیار را مشتمل است .
 گذشته از این ، کار آئینه دست است . اگر دقت و مراقبت کنند
 حاصل زحمت بهمان تناسب پاکیزه و بسندیده خواهد بود . در
 فن آهنگری اگر ریاضت بدنی و منافع آنرا در نظر نگیریم همین
 که آهن سرخ را روی سندان گذاشته چکش میزنند ، اولین درس
 اخلاقی « وقتی که آهن گرم باشد میتوان کوبید » را یاد میگیرند .
 دروس ورزش همگی دارای نخستین درجه اهمیت هستند ، تربیت
 بدنی هم بینه و مزاج اطفال را قوی میکند هم اطاعت نظامات را
 بآنها میآموزد . چهار هزار شاگرد در این مدرسه با استعانت قواعد
 ژیمناستیک اداره می کنیم .

«سؤال سوم شما این بود که زنها کدام درس را تدریس می
 نمایند . دروس در دو سال اول مکاتب ابتدائی عموماً وظیفه نسوان
 معلمات است ، در سهای ورزش نیز سپرده بانها است . البته میدانید
 که رفق و ملایمت بیش از شدت عمل برای انتظام کار خدمت میکند»
 مادموازل مرا يك اطاق درس ژیمناستیک برد . نظم و ترتیبی
 را که در آنجا دیدم فقط در يك عبادتگاه نظیر آن را میتوان
 مشاهده کرد .